

یک قرن مبارزه در راه رهایی!

چهاردهم اسفند ماه هشتاد و شش

اتحاد زنان آزادیخواه



در گرامیداشت صدمین سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن

یک قرن پیش ، در ۸ مارچ ۱۹۰۸ زنان کارگر کارخانه های نساجی شهر نیویورک در اعتراض به شرایط دهشتناک محیط کار خود ، با طرح خواست هایی جهت بهبود شرایط کار بسیار طاقت فرسای موجود ، به خیابان ها آمده و دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. اگر چه این مبارزه شدیداً مورد حمله پلیس قرا گرفت ولی توانست صفحه ای نوین در تاریخ مبارزات زنان

زحمتکش جهان بگشاید. مبارزات زنان کارگر نیویورک در قرنی الهام بخش مبارزات زنان انقلابی و زحمتکش در سراسر جهان شد که بدون شک میتوان آن را قرن مبارزات خستگی ناپذیر زنان ، جهت پاره کردن زنجیر های بردگی و اسارت خواند. درست در همین راستا و با توجه به اهمیت ایجاد همبستگی مبارزاتی در بین زنان تحت ستم جهان بود که در سال ۱۹۱۰ بر اساس پیشنهاد کلارا زتکین ، دومین "کنگره بین المللی زنان سوسیالیست" در همبستگی با زنان کارگر نیویورک ، هشتم مارس را به عنوان روز جهانی زن تصویب کرد. در سال بعد یعنی در اولین سالگرد روز جهانی زن ، بیش از یک میلیون زن در سراسر جهان با فریاد های آزادیخواهانه خود همبستگی جهانی خود را با سایر زنان تحت ستم و زحمتکش جهان اعلام نمودند.

قرنی که گذشت قرن خیزش های مردمی ، قرن ایستادگی در مقابل ظلم و ستم ، قرن مبارزه برای رسیدن و ساختن جهانی بری از ظلم و ستم و استثمار ، تهی از بردگی و ستم بر زن و عاری از ستم ناشی از نظام های طبقاتی موجود بود. قرنی که شاهد رشد مبارزات زنان در جهت احقاق حقوق پایمال شده خویش بود. زنان به عنوان بخشی از توده های تحت ستم جهان در طول این قرن با فداکاری ها و پشتکار مبارزاتی اشان همواره در صف مقدم مبارزه بر علیه جور و ستم قرار گرفتند و هزینه های سنگینی را برای بدست آوردن پایه ای ترین حقوق انسانی خویش متحمل شدند. بی شک آنچه که ما امروز داریم حاصل مبارزات بی وقفه زنانی است که در مقابل سختی ها خم نشدند و با مبارزات خود ، برابری واقعی با مردان را در عمل ثابت کردند.

علیرغم تمامی دست آورد ها و تغییر و تحولاتی که در نتیجه کوشش ها و مبارزات پیگیر زنان بدست آمده ، اما واقعیات نشان میدهند که امروزه در آغاز قرن بیست و یکم ، زنان در سراسر کره زمین ، بخصوص در کشور های جهان سوم ، در شرایط بسیار نا مساعدی بسر میبرند. در ایران ، افغانستان ، عراق ، عربستان سعودی ، الجزیره ، هند ، پاکستان و سایر کشورهای منطقه زنان در زیر فشارهای رژیم های سرکوب گر و غارت گر هر روزه خرد شده و از ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش محروم میمانند.

زنان مبارز ایرانی که این قرن را با شرکت همه جانبه خود در انقلاب مشروطه و پیشبرد اهداف دموکراتیک این انقلاب آغاز کردند، به تلاش های گسترده ای نیز برای هموار کردن راه برای کسب آگاهی هر چه بیشتر زنان و مبارزه برای تحقق خواسته های مشخص زنان بکار بردند که کوشش در تاسیس مدارس و آموزشگاه های دخترانه و انتشار نشریاتی برای زنان از آن جمله اند.

شکی نیست که مبارزه زنان در راه رسیدن به خواسته های خود فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. در شرایط کنونی زنان ایران تحت سلطه حکومتی بسر می برند که جامعه را به خصوص برای زنان کارگر و زحمتکش و همچنین زنان طبقات متوسط که اکثریت زنان را در ایران تشکیل می دهند، به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل کرده است. ارمغان ۳۰ سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی برای زنان ایران چیزی جز بیکاری، سرکوب، سنگسار، اعدام، شکنجه، فقر و فحشا و بردگی نبوده است. با این حال زنان ایران در این ۳۰ سال با وجود سرکوب مداوم، در مقابل هر تعرض رژیم قاطعانه ایستاده و رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی را در تمامی عرصه های اجتماعی به چالش طلبیده اند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی بزرگترین مانع برای دستیابی به کوچکترین خواسته های دموکراتیک زنان می باشد و برای تحقق این خواست ها هیچ راهی جز مبارزه برای سرنگونی این رژیم برای دگرگون ساختن سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران وجود ندارد. اما علیرغم این واقعیت، همانطور که می دانیم چند سالی است که بخش بورژوائی جنبش زنان، سطح مبارزات زنان را به صرف تغییر و یا لغو قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی تقلیل داده و از رژیم خواستار تحقق چنین خواستی می باشد. در واقع آنها جهت حرکت خود را در حال حاضر دست یابی به چنین امری قرار داده اند و بگفته بخشی از آنها گویا پس از دستیابی به این خواسته، آنها بعداً قدم های رادیکالی برای رهائی کامل زنان از بار ستم برخواهند داشت! از نظر ما چنین برخوردی نتیجه ای جز به هرز بردن انرژی مبارزاتی زنان جامعه ما به همراه نخواهد داشت. چون اولاً ما باید نه فقط برای لغو قوانین زن ستیز در رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کرده، بلکه برای از بین بردن همه نوع ستم ها، سرکوب ها و اجحافات که در حق زنان در ایران صورت می گیرد، مبارزه نمائیم. ثانیاً با دانستن این واقعیت که تحقق خواسته های عادلانه و بر حق ما زنان تنها در مبارزه ای بی امان در راه سرنگونی انقلابی رژیم غارتگر جمهوری اسلامی میسر خواهد شد، از هم اکنون باید در این جهت حرکت نمائیم.

زنان ایران ۳۰ سال است در جامعه ای زندگی میکنند که حکومت رسماً آنها را نیمه انسان میخواند. ما از مبارزه زنان ایران بر علیه چنین حکومتی و از مقاومت و ایستادگی شان علیه هر نوع ستمگری ای که بر آنان اعمال میشود، حمایت و پشتیبانی می کنیم. ولی در عین حال با راهکارهای رفرمیستی مرزبندی قاطع داریم. ما معتقدیم که شکست مداوم تمامی چنین راهکارهایی که همواره توسط زنان اصلاح طلب درون حکومتی برای به انحراف کشیدن مسیر مبارزاتی زنان انجام می گیرد، مویذ این امر است که خواسته های عادلانه و بر حق ما زنان تنها بعد از سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است که تحقق خواهند پذیرفت.

در جوامع مختلف، ستم بر زنان و نابرابری حقوق آنان با مردان همچنان ادامه دارد زیرا که **نظام طبقاتی ای که مسبب بوجود آمدن ریشه های اولیه و اصلی ستم بر زنان شد کماکان پابرجاست.** امروزه نظام های حامی سرمایه داری حتی هارتر از صد سال پیش جهت حفظ سیستم طبقاتی موجود و برای تداوم نظام استثمار گرانه خویش از

اجرای هیچ جنایتی علیه محرومان جهان فرو گذار نیستند. در دور افتاده ترین نقاط هر گوشه این جهان ، هر جا که امکان استفاده از نیروی کار ارزان زنان وجود داشته ، سرمایه داران خونخوار به بیرحمانه ترین شکلی شرایط بردگی را به زنانی که برای سیر کردن شکم خانواده خود مجبورند به هر کاری تن دهند ، تحمیل کرده اند. در کشور های غربی ، که سرمایه داری زنان را به مثابه کالایی مصرفی ارزیابی میکند ، خشونت بر زنان به مسئله ای عادی تبدیل شده است. بطوری که از هر ۳ زن ، یک زن مورد خشونت فیزیکی قرار میگیرد. در ایالات متحده آمریکا سالانه بیش از نیم میلیون زن مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. برای زنان ، حقوق برابر در مقابل کار برابر هرگز جنبه عملی به خود نگرفته است. شگفت آور است که با تمامی تلاش هایی که در سطح جهانی برای متوقف کردن عمل غیر انسانی ختنه زنان انجام گرفته ، هنوز ۲۸ کشور دنیا این عمل شنیع را بطور رایج بر دختران جوان اعمال میکنند. ما امروزه به وضوح شاهدیم که حتی در کشورهای صنعتی بزرگ که داعیه "دمکراسی" و "برابری" دارند با هر چه بحرانی تر شدن شرایط اقتصادی ، آنها از هیچ تلاشی در جهت عقب راندن مبارزات زنان و باز پس گرفتن پاره هایی از حقوق دمکراتیک اجتماعی آنان دریغ نکرده اند. تقویت نهاد های مذهبی و مبارزه آنها علیه آزادی سقط جنین یک نمونه از آن تلاش های ارتجاعی می باشد.

با فرا رسیدن صدمین سالگرد روز جهانی زن ، اگر چه اکثریت زنان با فقر ، بدبختی و گرسنگی دست پنجه نرم می کنند ، اگر چه فحشاء بیداد می کند ، اگر چه زنان هنوز شهروند درجه دوم شمرده شده و با انواع توهین ها و تحقیر ها مواجه اند و.... و.... با اینحال پیوستن میلیون ها زن به صفوف مبارزه بر علیه سیستم سرمایه داری و برای رهایی خود از همه ستم هایی که بر آنان اعمال می شود ، امید بخش بوده و این چشم انداز را بوجود می آورد که زنان تحت ستم و زحمتکش بتوانند در فردای رشد مبارزات خود ، با تمام توان ویرانی دنیای فقر و بندگی را نشانه روند. بکوشیم تا با الهام از مبارزات زنان پیشرو کمونیست و با درس گیری از تجربیات مبارزاتی هزاران زن رزمنده که تمام زندگی خود را وقف مبارزه جهت رهایی زنان کردند قدم در راه نابودی مالکیت خصوصی ، این بنیاد مناسبات سرمایه داری که نابرابری و تبعیض را در بطن خود می پروراند ، بگذاریم و با دستهای خود جامعه ای بسازیم که در آن هیچ اثری از ستم و استثمار و تبعیض وجود نداشته باشد تا در آنجا انسان بتواند مفهوم واقعی خود را بیابد.

اتحاد زنان آزادیخواه

Etehadezan@yahoo.com

۲۰۰۸ - ۰۲ - ۰۴ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۴